

# پوشکین و والتر اسکات<sup>1</sup>

## گئورگ لوکاج

ترجمه: ناصر بایزیدی

در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم آثار والتر اسکات از موفقیت جهانی بهره‌مند شدند. خوانندگان سراسر اروپا به معنای واقعی کلمه رمان‌های او را خوانده‌اند. بزرگترین نویسندگان عصر به اندازه‌ی توده‌های مردم به او علاقه‌مند شدند. گوته<sup>2</sup>، بالزاک<sup>3</sup>، مانزونی<sup>4</sup>، پوشکین<sup>5</sup>، بلینسکی<sup>6</sup> از مشتاق‌ترین خوانندگان او بودند.

چنین موفقیت جهانی باید دلایل عینی - تاریخی، اجتماعی داشته باشد. درک اینکه چرا رمان‌های تاریخی اسکات تا بدین حد با نگرش توده‌ها همخوانی داشت، دشوار نیست. به هر حال، در این دوره‌ی عظیم تاریخی - انقلاب فرانسه، جنگ‌های انقلابی، دوره‌ی ناپلئون اول، به پایان می‌رسد، دوره‌ای که طی آن زندگی توده‌های مردم اروپا مستقیماً توسط رویدادهای بزرگ تاریخی به لرزه در آمد.

---

<sup>1</sup> Перевод с немецкой рукописи Н. Волькенау

<sup>2</sup> Гете

<sup>3</sup> Бальзак

<sup>4</sup> Манцони

<sup>5</sup> Пушкин

<sup>6</sup> Белинский

انقلاب‌های پیشین در مقیاس اروپا چنین تاثیر مستقیمی بر زندگی توده‌های مردم نداشتند. جنگ سلطنت‌های مطلقه، مناطق مختلفی را از بین، و آنها را در فقر فرو برد، و نتوانست تمام مردم را به گرداب خود بکشانند، زیرا اهداف آنها با مردم و آرزوهایشان بیگانه بود، برای اینکه مردم فقط هدف منفعل و رنج دیده‌ی این جنگ‌ها بودند.

جنگ‌های ناپلئونی و انقلابی‌تاثیری کاملاً متفاوت برجای گذاشت. در بسیاری از کشورها آنها بقایای فئودالیسم را نابود کردند؛ در بسیاری از کشورها آنها با یوغ ناپلئون مقابله کردند و بیداری ملی را برانگیختند، اولین روزنه‌های آن، مبهم، متناقض و غالباً دارای ویژگی‌های ارتجاعی بود. حتی یک نفر در اروپا مانند گذشته از این بحران جان سالم به در نبرد.

بنابراین، تغییرات تاریخی برای توده‌های گسترده هویدا شد و تاثیر تاریخی قاطعی بر زندگی شخصی همه‌ی مردم و بر رشد فردی، رفاه و تندرستی هر فرد گذاشت. اسکات مانند شاعر این احساس، همچون هنرمندی که تغییرات و بحران‌های تاریخی را در آینده‌ی زندگی اشخاص منعکس می‌کند، نویسنده‌ی محبوب زمان خود شد.

اسکات ادامه دهنده‌ی بهترین سنت‌های هنری رئالیسم دوره‌ی پیشین بود. او این سنت‌ها را به سطح بالاتری رساند. رئالیست‌های بزرگ قرن هجدهم، مانند فیلدینگ<sup>7</sup>، خود را تاریخ‌نگار زندگی شخصی می‌دانستند. اما والتر اسکات اولین کسی است که آگاهانه «تاریخ‌گریی»<sup>8</sup> «شخصی»<sup>9</sup> هر وجود را در

---

<sup>7</sup> Фильдинг

<sup>8</sup> Историзм

<sup>9</sup> Частного

مرکز خلاقیت خود قرار داد. بلینسکی به وضوح این معنای اسکات را درک کرد. وی او را «شکسپیر دوم»<sup>10</sup> نامید و درست به همین دلیل است که اسکات در رمان‌های تاریخی خود وحدت زندگی و هنر را به وسیله‌ی تاریخ نشان داد.

این تاکید بر وحدت زندگی و هنر بسیار مهم است. در نتیجه شدیدترین بحران‌هایی که در این دوران تجربه شد، در علم و هنر، شبه تاریخی‌گری ارتجاعی و خطرناکی پدید آمد. مرتجعین، تاریخی‌گری را به پرچم ضد انقلاب و انواع تاریکاندیشی بدل کردند. تاریخی‌گری برای آنها، حفظ سلطنت مطلقه و امتیازات فئودالی، تعلیق آگاهانه‌ی مدرنیته از نیروهای پیشروی مردمی و مترقی تقلیل یافته بود. این گرایش‌ها همه به وضوح در اشرافیت منحن شاتوبریان تجسم پیدا کرده‌اند.

اگر چه والتر اسکات در اعتقادات سیاسی خود محافظه‌کار است، اما برخلاف این مرتجعین، مبارزه اجتماعی را بر حسب ضرورت تاریخی به تصویر می‌کشد که منجر به ایجاد انگلستان و فرانسه‌ی بورژوازی شد. او این فرایند ترقی‌خواهی را با تمام تضادهایش نشان داد؛ او احساسات قهرمانانه و خودخواهانه‌ی هر دو اردوگاه را که در پیشرفت بورژوازی و جهان فئودالی (حتی بقایای جامعه‌ی اشرافی) که توسط سرمایه داری نوظهور نابود شده را نشان داد. اما در وهله‌ی اول، او نشان می‌دهد که این روند توسط خود مردم و از طریق خودشان انجام می‌شود. حق با ژرژ ساندر بود وقتی درباره‌ی والتر اسکات گفت، که «او آوازخوان دهقانان، سربازان، رانده‌شدگان و صنعتگران است».

---

<sup>10</sup> вторым Шекспиром

---

ستاره‌ی راهنمای مسیر شعر پوشکین شکسپیر بود. پوشکین در به تصویر کشیدن مسایل معاصر به دنبال دستیابی به جهانشمول‌گرایی، عینیت رقت‌انگیز شاعرانه و مردمی بودن شکسپیر است. پوشکین سعی می‌کرد جهانشمولی، عینیت رقت‌انگیز شاعرانه و مردمی بودن شکسپیر را در بازنمایی مسایل معاصر به دست آورد. او همچنین در مجادلاتش اغلب شعر خود را «رمانتیک<sup>11</sup>» می‌خواند؛ اما این تعریف به هیچ وجه با آن مفهومی که زیبایی‌شناسی به آن بخشیده است، قابل درک نیست. این در زبان پوشکین هرگز به عنوان عذری موجه برای رمانتیسیسم ارتجاعی آلمان و فرانسه استفاده نشده است. برعکس، پوشکین به صورت مکرر آنها را سرزنش می‌کند، از نظر او آنها در معنای واقعی کلمه رمانتیک‌های واقعی نیستند، زیرا بر کلاسیسم (یعنی شعر غیرمردمی و درباری) غلبه نکرده‌اند.

مسیر خلاقانه‌ی عظیم پوشکین هیچ تناسبی با چنین رمانتیسیسمی ندارد. او بر سوبژکتیوسم بایرون غلبه کرد و به عینیت جهانشمول شاعرانه‌ی گوته و شکسپیر رسید.

خلاقیت والتر اسکات، نقطه عطف مهمی در مسیر ارتقای پوشکین است. تاثیر اسکات پوشکین را ترغیب کرد تا گرایش‌های شکسپیرانه‌اش را تعمیق و

---

<sup>11</sup> романтическим

روشن سازد. خود پوشکین به وضوح درباره‌ی اهمیت اسکات می‌گوید:

جذابیت رمان‌های والتر اسکات<sup>12</sup> در این است که ما با زمان گذشته - نه با برجستگی<sup>13</sup> تراژدی فرانسوی، نه با تکلف رمان‌های احساسی و نه با شکوه<sup>14</sup> تاریخ بلکه به شیوه‌ای مدرن و متناسب با شرایط آشنا می‌شویم. آنها شبیه (قهرمانان فرانسوی) ادا در نمی‌آورند، آنها در موقعیت‌های روزمره‌شان ساده هستند، در گفتار آنها هیچ نوع خوشبینی وجود ندارد، حتی در شرایط پرشکوهشان، زیرا آنها با رویدادهای بزرگ خو گرفته‌اند.<sup>15</sup>

در جایی دیگر، پوشکین به وضوح تشریح می‌کند که دقیقاً چه چیزی جدید است - حتی در مقایسه با شکسپیر و گوته - آن را گامی در مسیر توسعه‌ی رئالیسم، درک تاریخی آگاهانه از واقعیت که توسط والتر اسکات صورت گرفت، می‌نامید.

«عمل والتر اسکات در تمامی شاخه‌های ادبیات مدرن او ملموس است. او با وجود درام تاریخی شکسپیر و گوته به منابع کاملاً جدیدی اشاره کرد، منابعی که بی‌گمان قبلاً وجود داشته‌اند». (همان صفحه 68)

از این نقل قول‌ها چنین بر می‌آید که تاثیر والتر اسکات باعث تقویت گرایش‌های شکسپیری پوشکین، تلاش برای عینیت و حقیقت تاریخی همه جانبه و مردمی بودن غنی و وسیعی در او شده است. اسکات برای پوشکین نمونه‌ی نوینی از این

---

<sup>12</sup> از مجموعه آثار پوشکین، آکادمی علوم، لنینگراد. 1928

<sup>13</sup> enflure

<sup>14</sup> dignité

<sup>15</sup> la dignité et la noblesse. Ils sont familiers dans les circonstances de la vie, leur parole n'a rien d'affecté, d e théâtral, même dans les circonstances solennelles — car les grandes circonstances leur sont familières

واقعیت است که چگونه می‌توان به یک قصه‌ی تاریخی جان داد، چگونه می‌توان بر تحریف رویدادهای بزرگ غلبه کرد که با وارد کردن دیدگاه صرفاً ذهنی نویسنده در قصه به دست می‌آیند.

این گرایش پوشکین در نظرات انتقادی او درباره‌ی آثار معاصرانش انعکاس یافته است. پوشکین یکی از معدود افرادی است که اهمیت روش تصویر کردن واقعیت تاریخی که والتر اسکات به کار می‌برد، کاملاً درک کرده است. او می‌دانست جوهر این روش در وهله‌ی اول نفوذ عمیق به ماهیت مبارزات اجتماعی، علایق و سرنوشت مشروط انسانی آنها و در انباشت موفقیت‌آمیز و ارستگی‌های تاریخی بدون جزئیات دارای اهمیت، نهفته است. بر اساس این دیدگاه، پوشکین حدفاصلی قاطع بین اسکات و رقبای کوچکش که شر در کمین آنها است، ترسیم می‌کند:

«در کلاهی که توسط پرها احاطه شده، سر شما را که آرایشگرتان شانه کرده است، به جا می‌آورید؛ یقه‌ی توری هانری چهارم<sup>16</sup> با کراوات آهار زده‌ی دادنی<sup>17</sup> کنونی را از نظر می‌گذرانند. قهرمانان گوتیک توسط مادام ساتراپ<sup>18</sup> پرورش می‌یافتند، و دولتمردان قرن شانزدهم تایمز<sup>19</sup> و روزنامه‌ی<sup>20</sup> می‌خوانند. چقدر ناسازگاری، خرده کارهای غیرضروری، اهمال مهم! چقدر ظرافت! و مهمتر از همه، زندگی چقدر کوتاه است! (همان، صفحه‌ی 78-79).

---

<sup>16</sup> la Henri IV

<sup>17</sup> dandy

<sup>18</sup> Madame Catpan

<sup>19</sup> Times

<sup>20</sup> Journal de sdébats

پوشکین کاملاً به وضوح می‌دید که این «مدرنیزاسیون»<sup>21</sup> تاریخ به ناگزیر باعث تقلیل آن می‌شود. او می‌دید که واقعیت از تمام فلسفه‌ورزی‌ها و «عمیق‌تر شدن»‌های ذهنی آن، جالب‌تر، چند وجهی‌تر، غنی‌تر و با شکوه‌تر است. در نقدی بسیار نافذ از «کرامول»<sup>22</sup> و یکتور هوگو<sup>23</sup> و «سن مارا»<sup>24</sup> آلفرد د وینی<sup>25</sup> نشان می‌دهد که این نویسندگان با «خیال پردازی‌های شاعرانه‌ی»<sup>26</sup> خود تصویر بزرگ میل‌تون سیاستمدار و شاعر انقلابی را تحریف و آن را با چیزهای بی‌اهمیت جابه‌جا می‌کنند. و اینجا پوشکین دوباره این جستجوها، جلوه‌های ساده و عظمت والتر اسکات را روبروی هم قرار می‌دهد.

---

درک عمیق ماهیت و عظمت روش اسکات که بازنمایی ادبی واقعیت تاریخی را غنی ساخت، به وضوح در آثار پوشکین منعکس شده است. او مانند تعداد معدودی از نویسندگان توانست جوهر دست نیافتنی رمان تاریخی را به دست آورد: بازنمایی زندگی تاریخی مردم در دوره‌ی بحران‌های بزرگ. بالزاک در مقاله‌ای انتقادی بر برآیند ترکیبی اجتناب‌ناپذیر نگرش چنین نویسنده‌ای تاکید کرد: شخصیت‌های بزرگ و برجسته‌ی تاریخی فقط می‌توانند

---

<sup>21</sup> Модернизация

<sup>22</sup> Кромвель

<sup>23</sup> Виктора Гюго

<sup>24</sup> Сен Мара

<sup>25</sup> А. де Виньи

<sup>26</sup> поэтическими вымыслами

شخصیت‌های فرعی یک رمان تاریخی باشند. غنا و پیچیدگی زندگی تاریخی فقط در زندگی روزمره‌ی یک نفر از مردم به صورت متناسبی منعکس می‌شود. البته رویکرد نویسنده به زندگی روزمره نباید پیش پا افتاده و معمولی باشد.

این اساس ترکیبی رمان تاریخی کلاسیک اسکات، که توسط بالزاک فرموله شده است، در «دختر کاپیتان»<sup>27</sup> پوشکین تجسم خلاقانه‌ی کامل خود را می‌یابد. علاوه بر پوشکین تنها مانزونی و بالزاک بنیاد عظیم مردمی بودن هنر والتر اسکات را درک کردند. اما پوشکین از ایتالیایی بزرگ و حتی بالزاک در اثر تاریخی جوان خود «شوآن‌ها»<sup>28</sup> فراتر رفت. بوگاچف او، دقیقاً به این دلیل که شخصیت اصلی رمان نیست - بسیار پیچیده‌تر و چندجانبه‌تر از زندگی مردمی با آن روال زندگی عادی که حامل و بیان کننده آن و همچنین شخصیت‌های تاریخی معاصران بزرگ پوشکین است. بالزاک تنها زمانی به اوج سادگی و عظمت در آثارش می‌رسد که از مضامین تاریخی دور و اصول اسکات را در بازنمایی زمان معاصر به کار می‌گیرد.

تاثیر اسکات بر پوشکین، رشد و گرایش‌های خلاقانه‌ی اسکات در آثار او فقط به رمان تاریخی محدود نمی‌شود. منبع ادبی رمان‌های تاریخی اسکات درام جوانی «گوتس فون برلشینگن»<sup>29</sup> گوته است. اسکات زندگی تاریخی را کاملاً پوشش می‌دهد و بازتاب تاریخ شاعرانه را بسیار فراتر از گوته در «گوتس فون برلشینگن» می‌رساند. در «باریس گادونوف»<sup>30</sup> تمام تجربه‌ی اداری شاعرانه و بازنمایی رویدادهای تاریخی در نمایش تاریخی به

---

<sup>27</sup> Капитанской дочке

<sup>28</sup> Шуаны

<sup>29</sup> Гец фон Берлихинген

<sup>30</sup> Борисе Годунов



کار رفته است. شکوفایی درام تاریخی با «گوتس فون برلشینگن» آغاز شد و در «باریس گادونوف» پوشکین به اوج خود رسید.

پوشکین در برداشت خود از درام تاریخی به وضوح از شیوه‌ی بازنمایی رویدادهای تاریخی خاص اسکات تاثیر گرفت. پوشکین می‌پرسد: «چه چیزی در تراژدی اتفاق می‌افتد؟ هدف آن چیست؟ پاسخ می‌دهد: انسان و مردم - سرنوشت انسانی<sup>31</sup>، سرنوشت مردم<sup>32</sup>» (همان، ص122).

چنین رویکردی به درام تاریخی اساس درام جوانی گوته است. اما غنای حماسی زندگی تاریخی همچنان اصول دراماتیک آن را سرکوب می‌کند. گوته و شیلر (اگر چه مسیر خلاقانه‌ی کاملاً متفاوتی را دنبال کرد) در فرایند پیشرفت بیشتر خود تلاش کردند اصول ترکیب بندی تراژدی‌های بزرگ شکسپیر - «اتللو<sup>33</sup>»، «مکبث<sup>34</sup>»، «لیر<sup>35</sup>»، را وارد ساختار درام تاریخی کنند. درام‌های تاریخی با مفاهیم گسترده‌ای به وجود آمده‌اند، که در آن زندگی تاریخی مردم را به شیوه‌ای نوین و ژرفی به تصویر کشیده‌اند. بیایید در کمترین حالت «اگمنت<sup>36</sup>» گوته و «اردوگاه والنشتاین<sup>37</sup>» شیلر را به یاد آوریم.

اما ترکیب دراماتیک سرنوشت فردی و تاریخی شخصیت‌های اصلی به طور ارگانیک و دراماتیک با بازنمایی زندگی توده‌ها مرتبط نیست. پر واضح است که شیلر در این اثر عمیق‌ترین بازنمایی را

---

<sup>31</sup> судьбой человеческой

<sup>32</sup> судьбой народной

<sup>33</sup> Отелло

<sup>34</sup> Макбет

<sup>35</sup> Лира

<sup>36</sup> Эгмонта

<sup>37</sup> Лагерь Валленштейна

از زندگی مردم ارائه داده است (در «اردوگاه والنشتاین»)، این تصویر از زندگی مردم برای او فقط یک تصویر و یک پیش درآمد برای باقی می‌ماند. تراژدی خود والنشتاین منحصراً «در بلندا»<sup>38</sup>ی او در باروهای قلعه اتفاق می‌افتد. شیلر نتوانست تعاملی دراماتیک را مابین «سرنوشت انسان» و «سرنوشت مردم» به تصویر کشد.

عظمت «باریس گادونوف» که اهمیت آن را به ندرت در تمامیت آن درک می‌کنند، دقیقاً بازتابی از این تعامل است. پوشکین برخلاف شیلر و گوته، درام‌های شکسپیر را الگو قرار می‌دهد و مضامینی که از تاریخ انگلستان وام گرفته شده را به کار می‌برد. اما دریافت او از تاریخ، زندگی و سرنوشت مردم است؛ تجربه‌ی غنی دو قرنی که او را از شکسپیر به ویژه در تجربه‌ی دوران بزرگ بازسازی انقلاب اروپا جدا ساخت.

در رمان تاریخی والتر اسکات، این تجربه ابتدا به صورت خلاقانه‌ای تحقق یافت، و از آن برای اولین بار اصول نوین بازنمایی تاریخ به دست آمد. این اصول نوین - بازنمایی از ارتباط نزدیک و آگاهانه‌ی تاریخی ما بین شخصیت و سرنوشت تاریخی عظیم است؛ پوشکین چهره‌ها و زندگی روزمره‌ی مردم که رویدادهای تاریخی تا ژرفنا به جنبش درآورده است را وارد درام تاریخی می‌کند.

بالزاک در این ارتباط قبلاً به این واقعیت اشاره کرده که رمان تاریخی والتر اسکات حاوی عناصر دراماتیک است. فقط پوشکین در تمام ادبیات جهان بود که این عنصر دراماتیک کشف شده توسط اسکات را به نقطه مرکزی نوسازی درام تاریخی خود بدل کرد. بازنمایی ارتباط و تعامل شخصیت‌ها که در

---

<sup>38</sup> наверху

آن نیروهای واقعی و عظیم با زندگی مردم تجسم یافته و توسط او به بالاترین سطحی که درام تاریخی تا کنون به آن راه یافته است، می‌رسند. او همچنین مانند شکسپیر شعر تراژیک خود را از ماهیت دراماتیک تاریخ خود بیرون کشیده است.

---

این سویه‌های خلاقانه‌ی پوشکین پرسش‌های بسیار مهمی را روبروی ما قرار می‌دهد. تم پوشکین به عنوان وارث والتر اسکات - فقط مسئله‌ی تاریخی - ادبی نیست، بلکه در عین حال، از مبرم‌ترین مسایل ادبیات معاصر ما است.

تلاطم توده‌ها که ناشی از رویدادهای تاریخی عظیم است باعث حس زنده بودن در مردم می‌شود، درک و حس تاریخی دورانی که والتر اسکات و پوشکین در آن دست به آفرینش می‌زنند، علی‌رغم تمام اهمیت آن، در مقایسه با آن تغییراتی که صدها میلیون نفر در عصر ما تجربه می‌کنند، فقط یک موج کوچک در دریای مردم است. اهمیت این تفاوت از لحاظ کمی کامل نیست، اما بسیار مهم است. در عصر بزرگ ما، توده‌ها برای اولین‌بار به حاملان و سازندگان آگاه آن بدل شدند. آنها آگاهانه جهان را، خود و زندگی خودشان را از نو ساختند. دوره‌ی سوسیالیسم، تاریخ را به موضوع تجربه و شناخت تمام توده‌ها، رها از ستم جامعه‌ی طبقاتی تبدیل می‌کند، و این کار را در وسعتی بی‌سابقه و در سطح بسیار والایی انجام می‌دهد.

بنابراین بازتاب شاعرانه‌ی تاریخ که با چنین سطح عالی از پیشرفت همراه است، به مسئله‌ی اصلی ادبیات ما تبدیل می‌شود. میراث ادبی والایی که ما باید در این زمینه به کار گیریم با رویکردهای فوق‌الذکر در رشد پوشکین ارتباط تنگاتنگی دارد. شکسپیر و گوته، والتر اسکات و پوشکین بازنمایی شاعرانه‌ی تاریخ را به حد اعلا رساندند. تنها تسلط راستین بر چنین میراثی به ما در ایجاد بازتاب خلاقانه‌ی تاریخ کمک می‌کند، چیزی که شایسته‌ی دوران بزرگ ما باشد.

1937

- به همت روبرت سپانیان